

دکتر گری یتس، ارمیا، سخنرانی ۲۹، ارمیا ۴۶-۴۹، پیشگویی‌هایی علیه ملت‌ها

گری یتس و تد هیلدبرانت ۲۰۲۴ ©

این دکتر گری یتس در حال تدریس در مورد کتاب ارمیا است. این جلسه ۲۹، ارمیا ۴۶-۴۹، پیشگویی‌ها علیه ملت‌ها است.

در دو جلسه پایانی ما در مورد کتاب ارمیا، به بخش اصلی سوم کتاب در فصل‌های ۴۶ تا ۵۱ خواهیم پرداخت که به پیشگویی‌های ارمیا علیه ملت‌ها می‌پردازد.

به یاد داشته باشید که کتاب ارمیا به سه بخش اصلی تقسیم شده است. در فصل‌های ۱ تا ۲۵، پیام‌های ارمیا در مورد داوری علیه یهودا و اورشلیم، هشدارهای تبعیدی که در راه است و نابودی که خداوند در صورت عدم توبه یا تغییر راه‌هایشان بر سر مردم خواهد آورد را داریم. در فصل‌های ۲۶ تا ۴۵، داستان‌ها و روایت رد کلام نبوی توسط یهودا را به همراه پیام داوری داریم که بر تعداد افراد مختلف در ملت یهودا که کلام خداوند را رد کرده‌اند، آزار و اذیت و مخالفتی که ارمیا هنگام موعظه کلام با آن مواجه و تجربه کرده است، تمرکز دارد.

همچنین در فصل‌های ۳۰ تا ۳۳ بخش وعده‌ها را داریم که درباره احیای اسرائیل و برنامه‌های آینده خدا برای بازگرداندن قوم به سرزمین است. بخش سوم و پایانی کتاب ارمیا، پیشگویی‌هایی است که ارمیا علیه ملت‌هایی که اسرائیل را احاطه کرده‌اند، بیان می‌کند. به یاد داشته باشید که ارمیا در مأموریت خود، به عنوان پیامبر ملت‌ها فراخوانده شده است.

این نقش قطعاً تمرکز اصلی در فصل‌های ۴۶ تا ۵۱ کتاب ارمیا است. به یاد داشته باشید، ما دو نسخه مختلف از کتاب ارمیا داریم. نسخه‌ای داریم که در سپتواجینت، ترجمه یونانی عهد عتیق، منعکس شده است.

ما همچنین سنت عبری را داریم که در ترجمه قدیمی‌تر انجیل ارمیا منعکس شده است. در نسخه هفتادگانی که ممکن است نمایانگر شکل اولیه کتاب ارمیا باشد، این پیشگویی‌ها علیه ملت‌ها پس از فصل ۲۵، آیه ۱۲ رخ می‌دهد. بنابراین، آنها در وسط کتاب هستند.

در سنت ماسورتی، آنها در انتها می‌آیند. من فکر می‌کنم نکته‌ای که در مورد قرار دادن این پیشگویی‌ها در انتها می‌بینیم این است که بیشتر منعکس کننده‌ی ترتیب زمانی اساسی آنچه ارمیا بیان می‌کند، می‌باشد. اول از همه، خدا قرار است داوری خود را علیه قوم خود انجام دهد و سپس خدا داوری خود را علیه ملت‌ها انجام خواهد داد.

، همانطور که فصل‌های ۴۶ تا ۵۱ را می‌خوانید، باید پایان بخش اول در ارمیا ۲۵ را نیز در نظر داشته باشید، جایی که ارمیا درباره جام خشم و غضب خدا صحبت می‌کند. همه ملت‌های زمین جام خشم خدا را خواهند نوشید. آنها زیر قدرت مست‌کننده آن تلوتلو خواهند خورد و یهودا نیز در میان این ملت‌ها قرار دارد.

اما بخشی از این توالی زمانی این است که پس از آنکه خداوند ملت‌ها را داوری کرد، پس از آنکه خداوند داوری را علیه قوم خود، یهودا، اجرا کرد، داوری نهایی و اوج داوری بر بابل نازل خواهد شد. سنت ماسورتی که این پیشگویی‌ها را در انتهای کتاب دارد، این موضوع را نیز منعکس می‌کند، زیرا در نهایت، نتیجه‌گیری این کتاب، داوری بر بابل در فصل‌های ۵۰ و ۵۱ است، به همراه ضمیمه‌ای که روایت دیگری از داستان سقوط

اورشلیم را به ما ارائه می‌دهد. به یاد دارید که ما نیز در طول این کتاب، دیده‌ایم که ارمیا، از بسیاری جهات چیزهای بسیار تکان‌دهنده‌ای در مورد نقشی که بابل در اجرای داوری خدا و اجرای برنامه‌های خدا در ارتباط با این پیام داوری که ارمیا موعظه می‌کند، ایفا خواهد کرد، برای گفتن دارد.

از برخی جهات، آنچه ارمیا درباره بابل می‌گوید نه تنها تکان‌دهنده است، بلکه به نظر می‌رسد که مخرب نیز هست. او توسط مردم خودش به خیانت یا تضعیف تلاش‌های جنگی و مقاومت در برابر بابل متهم شد. وقتی انواع چیزهایی را که ارمیا درباره بابل می‌گفت می‌بینیم، می‌فهمیم که چرا این حرف درست است.

ارمیا می‌گفت که خدا نبوکدنصر را به عنوان خدمتگزار خود منصوب کرده است تا بر مردم یهودا داوری کند. یکی از راه‌هایی که بابل در پیشگویی‌های فصل‌های ۵۰ و ۵۱ توصیف شده است، این ایده است که بابل چکش تمام زمین است. نبوکدنصر خدمتگزار خداست.

خداوند بر ملت‌های بابل تسلط بخشیده است. به یهودیانی که در بابل زندگی می‌کنند گفته شده است که برای صلح بابل دعا کنند، همانطور که در گذشته برای صلح اورشلیم دعا می‌کردند. نبوکدنصر جای داوود را به عنوان نایب‌السلطنه منصوب و مسح شده خدا گرفته است.

ارمیا این حرف‌های عجیب و غریب را در مورد نقشی که بابلی‌ها ایفا می‌کنند، می‌زند. خدا در واقع با جنگیدن با بابلی‌ها، در حال جنگ مقدسی علیه قوم خودش است. اما به یاد داشته باشید، ارمیا این حرف‌ها را به این دلیل نمی‌زند که صرفاً طرفدار بابلی‌ها است.

جرمیا این حرف‌ها را به خاطر خائن بودنش نمی‌زند. جرمیا سعی دارد به مردم درکی الهی-سیاسی از آنچه که از سر می‌گذرانند بدهد و این شناخت را بدهد که مسائلی که با آنها روبرو هستند سیاسی نیستند. آنها یک مشکل نظامی نیستند که نیاز به حل داشته باشد.

در نهایت، این یک مسئله‌ی معنوی است. مشکل اصلی یهودا این نیست که مجبورند با بابلی‌ها سر و کله بزنند. مشکل اصلی یهودا این است که در رابطه‌شان با خدا مشکلی وجود دارد.

اگر آنها از راه‌های گناه‌آلود خود روی برنگردانند، خداوند از بابل به عنوان ابزاری برای داوری استفاده خواهد کرد. اما در پایان کتاب، همانطور که به فصل‌های ۴۶ تا ۵۱ می‌رسیم، تمرکز بر داوری قوم خدا به تمرکز بر داوری این ملت‌هایی که اسرائیل و یهودا را احاطه کرده‌اند، تبدیل می‌شود. وقتی به ارمیا نگاه می‌کنیم، یکی از چیزهایی که با توجه به سایر کتب نبوی متوجه می‌شویم این است که این پیشگویی‌ها علیه ملت‌ها بخش مهمی از سنت نبوی عهد عتیق هستند.

همه پیامبران بزرگ بخش‌هایی از پیشگویی‌های خود را دارند که در آنها پیامبر از داوری خدا علیه ملت‌ها صحبت می‌کند. در کتاب اشعیا، این نوع پیشگویی‌ها را در فصل‌های ۱۳ تا ۲۳ داریم. در کتاب حزقیال پیشگویی‌هایی علیه ملت‌ها در اواسط کتاب، در فصل‌های ۲۵ تا ۳۲ داریم که درست قبل از بخش طولانی‌تری که حزقیال قرار است احیای اسرائیل را توصیف کند، آمده است.

اینجا در ارمیا، آنها در فصل‌های ۴۶ تا ۵۱ در نسخه عبری کتاب هستند. در انبیای کوچک، در دو فصل آغازین کتاب عاموس، پیشگویی‌هایی علیه ملت‌ها داریم. کتاب ادایا، کل کتاب نبوی، سخنرانی داوری علیه مردم ادوم است.

این یک کتاب نبوی است که پیامی بسیار کوتاه و مختصر دارد و از بسیاری جهات، مشابه پیامی است که ارمیا علیه ادوم در فصل ۴۹ ارمیا می‌دهد. مباحث ادبی و منابع مشترک و موارد دیگر در آن بحث مطرح

می‌شوند. یکی دیگر از پیامبران کوچک که وحی علیه یک ملت خارجی است، کتاب ناحوم است، جایی که خداوند داوری خود را بر مردم نینوا و امپراتوری آشور به خاطر تمام ظلم و خشونت که انجام داده‌اند، اعلام می‌کند.

بنابراین، پیشگویی‌های علیه ملت‌ها فقط بخشی از کتاب ارمیا نیستند. آنها به طور کلی بخشی از سنت نبوی عهد عتیق هستند. حال، این بخشی از مأموریت ارمیا است زیرا او توسط خدا به عنوان پیامبر ملت‌ها منصوب شده است.

اما این لزوماً به این معنی نیست، و این پیشگویی‌ها علیه ملت‌ها به این معنی نیست که پیامبران عهد عتیق سفرهای جاده‌ای انجام می‌دادند و به بابل می‌رفتند و من قرار است در آنجا به عنوان مهمان حضور پیدا کنم، و این چیزی است که می‌خواهم به این افراد اطلاع دهم. در بیشتر موارد، به نظر می‌رسد این پیام‌ها خطاب به خود قوم اسرائیل است. آنها پیام‌هایی در مورد این ملت‌های خارجی دیگر هستند، اما به جز در موارد نادر، فکر نمی‌کنم پیامبران معمولاً به این مکان‌ها رفته و این پیام‌ها را رسانده باشند.

اگر این کار را می‌کردند، احتمالاً مجبور بودند بعداً به سرعت شهر را ترک کنند. حال، یک استثنا در این مورد یونس است که در واقع از طرف خدا مأمور شده است که به نینوا برود و در آنجا موعظه کند. من فکر می‌کنم تا حدودی، مقاومت یونس در برابر این کار به این دلیل است که معمولاً این روش کار نمی‌کند.

حتی وقتی یک پیامبر درباره ملت‌های خارجی موعظه می‌کند، معمولاً به آنجا نمی‌روند. اعتراض یونس فقط این واقعیت نیست که او مجبور است برود و علیه آنها داوری را موعظه کند، و آنها ممکن است عصبانی شوند و این را دوست نداشته باشند. دلیل واقعی این نیست.

او می‌ترسد که اگر به آنجا برود و برای نینوا موعظه کند، آنها پیام را جدی بگیرند و از داوری در امان بمانند از آنجا که آشوریان دشمنان اسرائیل و قوم یونس هستند، او نمی‌خواهد این اتفاق بیفتد. در ارمیا فصل آیات ۵۹ و ۶۰ به ما گفته شده است که وقتی ارمیا این پیشگویی‌ها را علیه بابل می‌سراید، مردی به نام ۵۱، سارایا را می‌فرستد که به نظر می‌رسد برادر کاتب او باروک باشد.

او سارایا را مأمور می‌کند، و وقتی سارایا در سال ۵۹۳ قبل از میلاد به بابل می‌رود و صدقیا را در آنجا همراهی می‌کند، به او مأموریت می‌دهد که طومار پیشگویی‌های ارمیا علیه بابل را بخواند، سپس سنگی را به دور آنها ببندد و آنها را به فرات بیندازد. اما وقتی آنها را می‌خواند، مشخص نیست که آیا واقعاً آنها را برای مردم موعظه کرده است یا خیر. اما هدف از این پیشگویی‌ها علیه ملت‌ها در درجه اول صحبت با اسرائیل و آموزش دیدگاه‌های مهمی به قوم خدا بود که باید با توجه به تمام اتفاقاتی که در یهودا و تعامل اسرائیل با ملت‌ها در زمان پیامبران کلاسیک رخ می‌داد، در نظر داشته باشند.

بسیار خوب. در اینجا برخی از مضامین و دلایل اصلی که چرا خدا پیامبرانش را مأمور ابلاغ این پیام‌ها علیه ملت‌های خارجی کرده است، آورده شده است. اولاً، این یادآوری برای اسرائیل بود.

این برای قوم اسرائیل، نمایی از حاکمیت خداوند بر سایر ملت‌ها بود. خداوند فقط یک خدای ملی‌گرا نیست که در قلمرو خود نفوذ داشته باشد. اغلب اینگونه به برخی از خدایان سایر مردمان باستانی خاور نزدیک نگریسته می‌شد که آنها قلمرو خاصی داشتند.

خدا اینطور نیست. او یک خدای ملی‌گرا نیست. او فقط به قوم اسرائیل علاقه‌مند نیست.

او رابطه ویژه‌ای با قوم اسرائیل دارد. آنها میراث او هستند، اما در واقع او پادشاه تمام جهان است. و همه این ملت‌ها به خدا پاسخگو هستند.

در این فصل، و من فکر می‌کنم چندین بخش از این پیشگویی‌ها علیه ملت‌ها را می‌بینیم که نشان می‌دهد خداوند در فصل ۴۶، آیات ۱۸ و ۱۹ به مصر خواهد گفت: ای ساکنان مصر، برای تبعید بار و بندیل آماده کنید. زیرا ممفیس به ویرانه‌ای خالی از سکنه تبدیل خواهد شد. خب، دلیل اینکه خداوند می‌تواند این نوع پیام را علیه آنها ابلاغ کند این است که در آیه درست قبل از این، می‌گوید: به حیات من قسم که پادشاه، که نامش خداوند لشکرهاست، اعلام می‌کند.

بسیار خوب. چرا خدا می‌تواند همانطور که می‌توانست اعلام کند یهودا به تبعید می‌رود، اعلام کند که مصر نیز به تبعید می‌رود؟ زیرا خدا پادشاهی است که به همان اندازه که بر مردم خود کنترل دارد، بر اتفاقات آنجا نیز تسلط دارد. خداوند، خداوند، رب النوع لشکرها، رب الجبهه‌ها است که اراده خود را اجرا می‌کند و حاکمیت خود را به اجرا در می‌آورد.

فرقی نمی‌کند که در یهودا باشد یا در مصر. به یاد داشته باشید یکی از دلایلی که پناهندگان به مصر فرار می‌کنند و ارمیا را با خود می‌برند این است که فکر می‌کنند این کار آنها را از قلمرو بابل یا از امکان داوری خدا علیه آنها خارج می‌کند. ارمیا می‌خواهد بگوید، رفتن به مصر شما را از قلمرو خدا خارج نمی‌کند.

او بر همه جا فرمانروایی می‌کند. احتمالاً دورترین سرزمینی که در این پیشگویی‌ها در ارمیا ۴۶ تا ۵۱ به آن اشاره شده، عیلامیان هستند. و عیلامیان پادشاهی است که در واقع در شرق بابل قرار دارد.

و ما واقعاً نمی‌بینیم که در این وحی‌های دیگر علیه ملت‌ها، بر آنها تمرکز شده یا برجسته شده باشد. اما خداوند این را در مورد ایلام می‌گوید، صدها مایل در شرق بین‌النهرین، که ۵۰۰ مایل از سرزمین اسرائیل و یهودا فاصله دارد. و خداوند در ارمیا فصل ۴۹، آیه ۳۸ می‌گوید، شمشیر را به دنبال آنها خواهم فرستاد تا آنها را نابود کنم.

و من تخت خود را در عیلام برپا خواهم کرد و پادشاه و مقامات آنها را نابود خواهم کرد، خداوند می‌گوید پس حاکمیت خدا تا کجا گسترش می‌یابد؟ دورترین نقاط ملت‌ها را در این زمان تصور کنید. من تخت خود را در دورترین مکان برپا خواهم کرد.

خداوند پادشاه است. خداوند همچنین در فصل ۴۶، آیات ۹ و ۱۰ دوباره به مصر می‌گوید: ای اسبان، پیش بروید و ای ارابه‌ها، خشمگین شوید. جنگجویان، مردان کوش و پوت که سپر به دست داشتند، مردان لود که در به کار بردن کمان ماهر بودند، بیرون بروند، زیرا این روز، روز خداوند، خدای لشکرهاست.

بنابراین، به همان روشی که خدا می‌تواند جنگی مقدس علیه قوم خود به راه بیندازد، به همان روشی که می‌تواند ارتش‌هایی را برای جنگ علیه یهودا مأمور کند، خداوند پادشاهی است که بر این ملت‌های دیگر نیز حکومت می‌کند. و من این را گفتم، فکر می‌کنم وقتی مطالعه کتاب ارمیا را شروع کردیم، معتقد بودم که یکی از عادلانه‌ترین چیزهایی که می‌توانیم از خواندن انبیا یاد بگیریم و یکی از دلگرم‌کننده‌ترین چیزهایی که باید به خاطر داشته باشیم، این واقعیت است که خداوند بر هر موقعیت سیاسی کنترل دارد. خداوند قلب پادشاهان را به حرکت در می‌آورد.

او آنها را مانند آب هدایت می‌کند تا اراده و فرمان او را انجام دهند. و مهم نیست که اوضاع جهان چقدر آشفته به نظر برسد، مهم نیست که اوضاع در زمان ارمیا چقدر آشفته بود، خدا نه تنها بر اسرائیل، بلکه بر ملت‌ها نیز کاملاً حاکم است. بسیار خوب.

دومین چیزی که فکر می‌کنم این پیشگویی‌ها علیه ملت‌ها انجام می‌دهند این است که آنها کلامی دلگرم‌کننده برای قوم اسرائیل هستند، مبنی بر اینکه در نهایت خدا با دشمنانشان برخورد خواهد کرد، و در نهایت خدا اسرائیل را از اسارت، تبعید و شکست نظامی‌شان نیز رهایی خواهد بخشید. این ملت‌هایی که به اسرائیل ظلم کرده بودند، در نهایت، اوضاع معکوس خواهد شد و خدا این ملت‌ها را نیز داوری خواهد کرد. بنابراین به عنوان یک اسرائیلی، وقتی این پیشگویی‌ها را علیه فلسطینیان و بابلی‌ها و مصریان و موآبیان و همه اینها می‌شنوم، فقط در مورد داوری خدا بر دیگران نمی‌شنوم، بلکه به من یادآوری می‌شود که چگونه خدا در نهایت برای رهایی قوم خود مداخله خواهد کرد.

،ارمیا فصل ۴۶، آیات ۲۷ و ۲۸، دوباره در این وحی که خطاب به مصر است، خداوند می‌گوید: ای یعقوب بنده من، مترس. بنابراین، ما وحی نجات را به قوم اسرائیل داده‌ایم. ای اسرائیل، هراسان مباش، زیرا اینک من تو را از دوردست‌ها و نسل تو را از سرزمین اسارتشان نجات خواهم داد.

یعقوب باز خواهد گشت و در آرامش و آسایش خواهد بود و هیچ کس او را نخواهد ترساند. و سپس می‌گوید: ای یعقوب، بنده من، مترس، خداوند می‌گوید، زیرا من با تو هستم. من قوم‌ها را به طور کامل نابود نخواهم کرد.

پس چرا خدا این ملت‌ها را داوری می‌کند؟ نه فقط به این دلیل که از بیگانگان متنفر است، بلکه در نهایت این کار برای رهایی قوم خودش است. زکریا، فصل دوم، آیه هشتم، پیامبر می‌گوید، هر که اسرائیل را لمس کند، مردمک چشم خدا را لمس کرده است. و بنابراین، بابل و بسیاری از این ملت‌های دیگر که به قوم اسرائیل یا قوم یهودا ظلم کرده بودند، به نوعی با انجام این کار، انگشت خود را در چشم خدا فرو کرده بودند.

وقتی این کار را انجام دهید، خدا پاسخ خواهد داد. خدا واکنش نشان خواهد داد و در نهایت خداوند قوم خود را نجات خواهد داد و رهایی خواهد بخشید. بنابراین، پیامی از نجات برای قوم اسرائیل وجود دارد که از این پیشگویی‌ها در آیات ۴۶ تا ۵۱ آشکار می‌شود.

نکته سوم، و باز هم، این یک پیام خاص برای قوم اسرائیل بود. این پیشگویی‌ها علیه این ملت‌های خارجی در نهایت به اسرائیل یا رهبران سیاسی اسرائیل و یهودا هشدار می‌دهد که اتحاد با این ملت‌های دیگر آنها را از هر بحرانی که در آن قرار دارند نجات نخواهد داد. به یاد دارید که صدقیا، در روزهای پایانی یهودا به عنوان یک ملت، امیدوار بود که اتحاد با مصر به نحوی برای او زمان بخرد یا از بحران بابل رهایی یابد.

ارمیا بحث کرد و به او یادآوری کرد که بین، این کمکی به تو نمی‌کند. این تو را نجات نخواهد داد. حتی اگر می‌توانستی خودت ارتش بابل را شکست دهی و تنها چیزی که باقی می‌ماند مردان زخمی بودند، آنها برمی‌گشتند و تو را شکست می‌دادند.

اشعیا نبی، در طول بحران آشور، به حزقیا هشدار داده بود: وای بر کسانی که به مصر توکل می‌کنند و به مصر می‌روند، زیرا این همان چیزی است که مشاوران حزقیا او را به انجام آن تشویق می‌کردند. بیایید اتحاد برقرار کنیم. بیایید ائتلاف تشکیل دهیم.

شاید اگر به یک توافق یا ائتلاف سیاسی درست برسیم، بتوانیم از این اتفاق جلوگیری کنیم. باز هم، وعده‌ها یا مشکلات آنها سیاسی نبود. مشکلات آنها نظامی نبود.

مشکلات آنها معنوی بود. آنها با خدا مشکل داشتند. بنابراین، این اتحادها آنها را نجات نخواهد داد.

ما بازتاب جالبی از این ایده را در ارمیا فصل ۴۹ در پیامی که به اودم داده شده است، داریم. اودم یکی از کشورهای همسایه درست در کنار یهودا است. آنها نوادگان عیسو هستند.

بنابراین، آنها رابطه بسیار نزدیکی با این قوم دارند. اما در فصل ۴۹، آیات ۱۴ و ۱۶، اینجا آمده است که من پیامی از جانب خداوند شنیده‌ام و فرستاده‌ای به میان ملت‌ها فرستاده شده است. نکته مهم در این مورد چیست؟ خب، اگر به ارمیا فصل ۲۷، آیه سوم برگردید، در مورد کنفرانسی می‌خوانیم که در سال‌های ۵۹۴- قبل از میلاد در اورشلیم برگزار شد و دوباره شامل فرستادگانی از چندین ملت بود که برای ملاقات با ۵۹۳ صدقیا می‌آمدند.

ادومی که در اینجا از آن نام برده شده، یکی از مردمی بود که فرستادگانی به اورشلیم فرستاده بود. دلیل اینکه آنها فرستادگانی به آنجا فرستادند این بود که آنها با حزقیا ملاقات می‌کردند تا استراتژی نظامی خود را برنامه‌ریزی کنند. چگونه می‌توانیم در برابر بابلی‌ها مقاومت کنیم، چگونه می‌توانیم در برابر آنها مقاومت کنیم؟ خب، پاسخ خدا به این موضوع این بود که فرستادگان خود را به سوی ملت‌ها فرستاد.

و این چیزی است که آنها می‌گویند، گرد هم آیید و به مقابله با او برخیزید و برای جنگ برخیزید. زیرا اینکه من شما را در میان ملت‌ها کوچک و در میان مردم خوار خواهم کرد. وحشتی که القا می‌کنید، شما را فریب داده و غرور دلتان شما را گمراه کرده است.

ای کسانی که در شکاف صخره‌ها ساکنید، و به بلندی تپه چنگ زده‌اید. بسیار خوب، آنها فرستادگانی به اورشلیم می‌فرستادند و نقشه می‌کشیدند که چگونه در برابر بابلی‌ها مقاومت کنند. و صدقیا قوی است.

هی، وای، ادومی‌ها، شاید بتوانند کمکم کنند. خب، خدا فرستاده‌ای فرستاده که می‌گوید ادومی‌ها شکست خواهند خورد. اتحاد با مردمی که خودشان زیر بار داوری خدا هستند، منطقی نیست.

دلیل اینکه فصل آغازین در باب ۴۶ به پیامی می‌پردازد که علیه مصر است، این است که مصر ملت اصلی بود که صدقیا مشتاقانه منتظر بود تا بتواند در ارتش بابل به او کمک کند. خب، آنها نمی‌توانند به او کمک کنند زیرا آنها نیز تحت داوری خدا هستند. و خداوند نبوکدنصر را برای جنگ مقدس علیه یهودا می‌فرستد.

پیام فصل ۴۶ این است که خداوند همچنین قرار است فرستادگانی یا بابلی‌ها را علیه بابل بفرستد تا جنگی مقدس را علیه مصر نیز به راه بیندازند. بنابراین، هدف در اینجا تا حدودی هشدار دادن به رهبران یهودا و پادشاهان است که اتحادهای نظامی با این ملت‌های دیگر کارساز نخواهد بود. بسیار خب.

هدف اصلی و نهایی پیشگویی‌ها علیه ملت‌ها، به طور خاص، متهم کردن این ملت‌ها به خاطر نقض عهد خدا نیز هست. بسیار خوب. اسرائیل محکوم است.

آنها به دلیل نقض عهد موسی، از سوی خدا مورد اتهام قرار گرفته‌اند. آنها مفاد توافقی را که خدا با اسرائیل و یهودا به عنوان قوم برگزیده خود برقرار کرده بود، زیر پا گذاشته‌اند. اما همانطور که خدا ملت‌های زمین را متهم می‌کند، به یاد داشته باشید که آنها تحت عهد موسی نیستند.

قرار نیست خداوند ۱۰ فرمان یا ۶۱۳ فرمان شریعت را بیرون بکشد و به مردم ملت‌ها نشان دهد که چرا آنها را، داوری می‌کند. به نظر می‌رسد خداوند ملت‌ها را به دلیل نقض عهد نوح که به زمان تاریخ نجات برمی‌گردد، داوری می‌کند. عهد نوح فقط توافقی نبود که خداوند با قوم اسرائیل برقرار کرده باشد.

عهد نوح عهدی بود که خدا با همه ملت‌ها بسته بود. نکته ترسناک، و یکی از چیزهایی که ما در مورد آن تأمل خواهیم کرد، این است که اگر کتاب مقدس این را به عنوان یک عهد ابدی توصیف می‌کند، و اگر خدا ملت‌های زمین را که در زمان ارمیا و اشعیا در جهان بودند، داوری کرد، اگر خدا آن ملت‌ها را به خاطر نقض عهد نوح پاسخگو دانست، و اگر این واقعاً یک عهد ابدی است، پس ملت‌های امروز نیز به همان اندازه در برابر شرایطی که خدا در آن ترتیبات تعیین کرده است، مسئول هستند. به یاد دارید که مسئولیت اصلی که در عهد نوح در پیدایش ۹، ۵ و ۶ بر عهده بشریت گذاشته شده است، این است که محدودیتی بر خونریزی و خشونت اعمال می‌شود.

عهد نوح می‌گوید که خداوند سیستم جدیدی را برقرار می‌کند که هر کس خون انسان را بریزد، خون او به دست انسان ریخته خواهد شد. خداوند ملت‌های زمین را به خاطر خشونت و خونریزی‌شان پاسخگو می‌داند. وقتی خداوند داوری زمین را به تصویر می‌کشد، وقتی اشعیا نبی در فصل ۲۴، آیات ۱ تا ۵ کتاب اشعیا از آن صحبت می‌کند، می‌گوید که تمام جهان تحت داوری خداوند در حال چرخش و سرگردانی است.

خب، چرا خدا این داوری را می‌آورد؟ چون آنها عهد ابدی را نقض کرده‌اند. باز هم، به نظر نمی‌رسد که این شریعت موسی باشد، زیرا این یک شریعت خاص است، یک عهد خاص که خدا با اسرائیل بسته است. عهد ابدی به احتمال زیاد به ترتیبی برمی‌گردد که در روزگار نوح برقرار شد.

در فصل ۲۶ آیه ۱۹، در همان زمینه، اشعیا می‌گوید که در آینده، همانطور که خدا برای اجرای آن داوری آماده می‌شود، زمین خونریزی‌های خود را آشکار خواهد کرد. بنابراین، خدا دقیقاً به چه دلیل ملت‌ها را داوری خواهد کرد؟ نقض عهد نوح توسط آنها. در ارمیا ۴۶ تا ۵۱، اغلب دلایل مشخصی که چرا خدا این ملت‌های خاص را داوری می‌کند، همیشه بیان نشده است.

گاهی اوقات، فقط یک جمله‌ی داوری وجود دارد، اما به اعتقاد من، الهیات اساسی پیشگویی‌ها علیه ملت‌ها این است که خداوند این ملت‌ها را به خاطر مسئولیت‌هایی که تحت عهد نوح تعیین شده‌اند، پاسخگو می‌داند. در عاموس ۱ تا ۲، که در آن خداوند در حال غرش در داوری است و مانند شیر از شهر صهیون بیرون می‌رود، شش پیشگویی داوری اول قبل از اینکه خداوند به یهودا و اسرائیل روی آورد، علیه ملت‌هایی است که اسرائیل و یهودا را احاطه کرده‌اند. در آن متن، عاموس نبی دلایل خاص داوری‌ای را که خداوند قرار است علیه این ملت‌ها انجام دهد، بیان می‌کند.

گاهی اوقات، به دلیل خشونت و جنایاتی است که آنها علیه اسرائیل مرتکب شده‌اند. کل اصل ما این است که اگر انگشت خود را در چشم خدا فرو کنید، خدا به آن واکنش نشان خواهد داد. خدا به بدرفتاری و سوءاستفاده از قوم خود واکنش نشان می‌دهد.

اما یکی دیگر از چیزهایی که در آن پیشگویی‌های داوری علیه ملت‌ها می‌بینیم این است که آنها اغلب به خاطر جنایات و خشونت‌هایی که علیه ملت‌های غیر از اسرائیل مرتکب شده‌اند، پاسخگو هستند. بنابراین عاموس در فصل ۲، آیات ۱ تا ۲ می‌گوید که خدا قرار است پادشاه موآب را به خاطر جنایتش در سوزاندن استخوان‌های پادشاه ادوم داوری کند. داوری، خشم خداوند، حکم خدا علیه آن پادشاه هیچ ارتباطی با اسرائیل ندارد.

این به نوعی به خشونت که علیه دیگران اعمال شده است، مربوط می‌شود. شما مسئولیت اساسی در قبال عهد نوح را در آنجا می‌بینید. حبقوق، فصل ۲، آیه ۱۲، از داوری‌ای که خدا قرار است علیه بابل بیاورد صحبت می‌کند و می‌گوید، وای بر بابل.

و وای، به یاد داشته باش، حکم اعدام، مرگ در راه است. بابل تقریباً مرده است. چرا؟ چون شهری است که بر پایه خونریزی بنا شده است.

در کتاب ناحوم نبی، فصل ۳ آیه ۱، آمده است که به دلیل خونریزی‌های شهر نینوا، این داوری وحشتناک در انتظار این شهر خواهد بود. و از آنچه در مورد آشوریان در تاریخ می‌دانیم، آنها مردمی فوق‌العاده بی‌رحم و خشن بودند، حتی با معیارهای خاور نزدیک باستان. بنابراین، خداوند آنها را به خاطر این موضوع پاسخگو خواهد کرد.

دو آیه بعدی در باب سوم ناحوم، لشکری را به تصویر می‌کشد که قرار است به ناحوم بیاید و همان کاری را که آنها با دیگر مردم کرده‌اند، با آنها انجام دهد. در اینجا عدالت نبوی وجود دارد. بنابراین، الهیات اساسی پیشگویی‌ها علیه ملت‌ها این است که این ملت‌ها به همان اندازه اسرائیل در برابر خدا مسئول و پاسخگو هستند، اما به دلایل عهده‌ی متفاوت.

خب. خب، این یه جورایی الهیات زیربنایی همه اینهاست. قبل از اینکه بیشتر در مورد این پیشگویی‌ها توضیح بدیم، بیایید به ملت‌هایی که به طور خاص در این پیشگویی‌های داوری که در کتاب ارمیا آمده بهشون اشاره شده، اشاره کنیم.

فصل ۴۶، داوری‌ای که قرار است علیه ملت مصر انجام شود و خداوند آنها را به زیر خواهد کشید. فصل ۴۷، فلسطینیان، و آنها همسایه اسرائیل و یهودا بودند، و از زمان داوران دشمن یکدیگر بودند. فصل ۴۸، ۴۷، موآبیان.

فصل ۴۹، آیات ۱ تا ۶، عمونیان. فصل ۴۹، آیات ۷ تا ۲۲، ادومیان. فصل ۴۹، آیات ۲۳ تا ۲۷، دمشق. پایتخت آرامیان.

کسی که اسرائیل در طول تاریخ خود یا با او در جنگ بوده یا با او در همکاری بوده است. در فصل ۴۹ آیات ۲۸ تا ۳۳، قبایل عرب قیدار و حاصور، نه حاصور در اسرائیل، بلکه آنچه به نظر می‌رسد در عربستان باشد. ایلامیان، فصل ۴۹، آیات ۳۴ تا ۳۹، دوباره، پادشاهی که صدها مایل در شرق بین‌النهرین یا بابل قرار داشت.

و سپس در فصل‌های ۵۰ و ۵۱، آخرین پیشگویی علیه بابل است. نکته‌ای که در مورد این فهرست متوجه می‌شویم این است که با یک ابرقدرت و کسی که امپراتوری بوده شروع و پایان می‌یابد. مصر، فصل ۴۶ امپراتوری سابق نیست، بلکه ستمگر بزرگ اسرائیل در گذشته و هنوز هم بازیگر مهمی در آنچه در صحنه سیاسی روزگار ارمیا می‌گذرد، است.

در پایان، باب‌های ۵۰ و ۵۱ کتاب بابل. بنابراین با این اشارات به این دو ابرقدرت در پرناتز قرار گرفته است. در این بین، سخنرانی‌های داوری علیه تمام ملت‌هایی که بلافاصله اسرائیل را احاطه کرده‌اند، وجود دارد.

این به ما یادآوری می‌کند که هیچ ملتی آنقدر بزرگ نیست که از داوری الهی در امان بماند، اما هیچ ملتی آنقدر کوچک نیست که خدا آنها را نادیده بگیرد. بنابراین، این فهرست ملت‌ها است. وقتی به کتاب حزقیال، مراجعه می‌کنید و به ملت‌هایی که در آنجا ذکر شده‌اند نگاه می‌کنید، ملت‌هایی که در آنجا ذکر شده‌اند عمون، موآب، ادوم، فلسطین، صور، صیدون و مصر.

و بنابراین، تنها با چند تفاوت، ملت‌ها اساساً یکسان هستند. بسیار خوب، ما چه می‌دانیم و چه چیزی در مورد این داوری‌ها می‌فهمیم وقتی به آنچه خدا در داوری این گروه خاص از مردم انجام می‌دهد نگاه می‌کنیم؟ توجه داشته باشید که آنها در یک موقعیت جغرافیایی خاص هستند. آنها در منطقه اطراف اسرائیل قرار دارند.

و من فکر می‌کنم درک این نکته در مورد این قسمت‌ها مهم است. اینها داوری‌هایی هستند که بر این ملت‌های مختلف اعلام می‌شوند. اینها داوری‌هایی هستند که عمدتاً در تاریخ اتفاق می‌افتند.

اینها قضاوت‌هایی نیستند که به نظر من برای ما دوران مصیبت بزرگ یا روزهای پایانی قبل از ظهور مجدد مسیح را توصیف می‌کنند. اینها قضاوت‌هایی هستند که در شرایط تاریخی و در موقعیت‌های زمان ارمیا در حال اجرا هستند. در واقع، بیشتر این قضاوت‌ها توسط ارتش بابل اجرا خواهند شد.

بسیار خوب، پیام داوری علیه مصر. به آنچه اینجا داریم نگاه کنید. کلام خداوند، فصل ۴۶، آیه ۱، که بر ارمیا نبی درباره ملت‌های اطراف مصر نازل شد، درباره ارتش فرعون نکو، پادشاه مصر، که در کنار رود فرات در کرکمیش بود، و نبوکدنصر، پادشاه بابل، آن را در سال چهارم یهوایقیم، پسر یوشیا، شکست داد.

بنابراین، این داوری چه زمانی قرار است اتفاق بیفتد؟ این داوری به نبردی مربوط می‌شود که در آن نبوکدنصر و بابلی‌ها در سال ۶۰۵ قبل از میلاد مصریان را شکست دادند. این نبردی بود که بابل را به عنوان قدرت غالب در خاور نزدیک باستان تثبیت کرد. اما در رسالت نبوی ارمیا، ارمیا نتیجه آن نبرد را قبل از وقوع آن اعلام کرده بود.

بین، من می‌دانم اینجا چه اتفاق قرار است بیفتد. فصل ۴۶، آیه ۱۳ این را می‌گوید، کلامی که خداوند به ارمیا نبی درباره آمدن نبوکدنصر، پادشاه بابل، برای حمله به سرزمین مصر گفت. بسیار خوب، فصل ۴۶، آیه پیامبر در آنجا می‌گوید، من آنها، مصریان را رهایی خواهم داد، من آنها را به دست کسانی که قصد جان ۲۶، آنها را دارند، به دست نبوکدنصر، پادشاه بابل، و افسران، خواهم سپرد.

بنابراین، در ابتدا، میانه و انتهای پیشگویی علیه مصر، چه کسی این داوری را اجرا می‌کند؟ نبوکدنصر نمی‌گوید که در روزهای مصیبت بزرگ، آنها را به دست دجال خواهم سپرد. یا اینکه قرار است چه اتفاقی بیفتد: این یک داوری تاریخی است که صدها سال پیش، حتی قبل از زمان آمدن عیسی، اتفاق افتاده است.

بسیار خوب. ما در فصل ۴۹، آیه ۳۰، یک سخنرانی داوری علیه قبیله قیدار، این گروه عرب، داریم. و توجه کنید که در آنجا در مورد این داوری چه می‌گوید.

چه زمانی قرار است اتفاق بیفتد؟ این داوری چه زمانی قرار است اجرا شود؟ در آیه 30 آمده است، زیرا نبوکدنصر، پادشاه بابل، نقشه‌ای علیه شما کشیده و هدفی علیه شما طرح‌ریزی کرده است. داوری قیدار چگونه قرار است اتفاق بیفتد؟ آیا این دوباره نبرد آرماگدون است یا ظهور دوم؟ نه، این داوری‌هایی است که در زمان ارمیا اجرا شدند و بخشی از آن وضعیت تاریخی بودند. بنابراین، یکی از چیزهایی که اغلب در برداشت‌های رایج از پیشگویی‌های عهد عتیق اتفاق می‌افتد این است که ما اغلب به سراغ پیامبران عهد عتیق می‌رویم تا چیزهایی را در مورد وقایع معاصر یا آنچه که قرار است در روزهای آخر قبل از ظهور دوم عیسی در جهان اتفاق بیفتد، بررسی کنیم.

و اغلب ما به دنبال منابع خاص هستیم. آیا این رویداد وعده داده شده است؟ آیا این رویداد در کتاب مقدس آمده است؟ آیا این به ما نشان می‌دهد که پایان نزدیک است؟ این متون آخرالزمان را توصیف نمی‌کنند. آنها چیزهایی را توصیف می‌کنند که واقعاً در تاریخ رخ داده‌اند.

اکنون الگوها و شباهت‌هایی در اینجا وجود دارد که قطعاً دوباره در داوری‌هایی که در آخرالزمان انجام می‌شوند، منعکس خواهند شد. و ما قصد داریم بیشتر در مورد آن صحبت کنیم. اما واقعاً یک تفسیر نادرست است که به این قسمت‌ها برویم و سعی کنیم اشارات خاصی را چه به رویدادهای سیاسی معاصر و چه به چیزهایی که در آینده اتفاق می‌افتند، پیدا کنیم.

و ما مرتباً شاهد برداشت‌های رایج از پیشگویی هستیم که این کار را انجام می‌دهند. و اغلب، این روش خوبی برای فروش کتاب یا ساخت ویدیوهای است که قرار است محبوب شوند یا مخاطب جذب کنند، اما واقعاً تفسیر معتبری نیست. شما باید به زمینه تاریخی و موقعیت متن نگاه کنید.

الان یک کتاب خیلی محبوب به نام «منادی» وجود دارد که سعی می‌کند نشان دهد داوری آمریکا در اشعیا ۱۰ و پیشگویی شده است. اما وقتی به زمینه اشعیا ۹ و ۱۰ نگاه می‌کنم، در مورد اسرائیل و یهودا در زمان ۹ اشعیا، ۸۰۰ سال قبل از زمان عیسی، صحبت می‌کند. در مورد آمریکای قرن بیستم یا بیست و یکم صحبت نمی‌کند.

بنابراین، اینها داوری‌هایی نیستند که در روزهای آخر رخ خواهند داد. اینها داوری‌هایی هستند که در زمان، ارمیا، در شرایط تاریخی آن زمان، در حال وقوع و اجرا هستند. حال، داوری مصر در فصل ۴۶ در آیه ۱۰ ارمیا ۴۶:۱۰، شرح داده شده است، آن روز، زمانی که مصر نابود خواهد شد، آن روز، روز خداوند، خدای لشکرها، روز انتقام است، جایی که خدا از دشمنانش انتقام خواهد گرفت.

و دوباره، وقتی روز خداوند را می‌شنویم، دوباره به آخرالزمان، نبرد آرماگدون، و آن نوع زمینه‌ها کشیده می‌شویم. اما به یاد داشته باشید که چگونه از آن روز خداوند در پیامبران استفاده شده است. روز خداوند در پیامبران می‌تواند به چیزی اشاره داشته باشد که یا نزدیک است یا دور.

و تمام داوری‌های فردی که خداوند در طول تاریخ علیه اسرائیل و یهودا و حتی علیه این ملت‌های خارجی انجام داد، آن روز خداوند است. روز خداوند زمانی است که خداوند برای شکست دادن دشمنانش نازل می‌شود. و در حمله بابل، آن روز خداوند برای مردم یهودا بود.

وقتی نبوکدنصر ارتش مصر را در کرکمیش شکست داد، ارمیا می‌گوید که آن روز، روز خداوند برای مصر بود. حال، گاهی اوقات در نوشته‌های انبیا، تشخیص اینکه چه زمانی در مورد روز خداوند نزدیک و چه زمانی در مورد روز خداوند دور صحبت می‌کنند، واقعاً دشوار است، اما صرفاً دیدن روز خداوند در اینجا به این معنی نیست که این یک متن آخرالزمانی است. باز هم، ما در مورد داوری‌هایی صحبت می‌کنیم که در تاریخ اتفاق می‌افتند.

صفنیا گفته بود که روز خداوند نزدیک است. او در مورد حمله به بابل صحبت می‌کند. بنابراین، فکر می‌کنم این فقط یک نکته‌ی تفسیری مهم است که باید اینجا اثبات شود.

و امیدوارم که این ما را ناامید نکند. انگار امیدوار بودم که اینجا اسرار جدیدی در مورد پیشگویی‌های کتاب مقدس یاد بگیریم. یکی دیگر از نکات کلیدی که در این بخش یاد گرفتیم این است که برای ما مهم است که در مورد اینکه چرا خدا قرار است این ملت‌های خاص را داوری کند، تأمل کنیم. و فکر می‌کنم چند ایده مطرح می‌شود.

و باز هم، همانطور که بارها این‌ها را می‌خوانم، ارمیا به سادگی قرار است داوری قریب‌الوقوع را اعلام کند، و واقعاً توضیح روشنی برای چرایی آن وجود ندارد. شما تقریباً باید درکی از تاریخی که ممکن است پشت همه

اینها باشد، داشته باشید. اما چیزی که بارها و بارها می بینم این است که خدا در درجه اول قرار است این ملت‌ها را به خاطر غرور و تکبرشان داوری کند.

خداوند این جهان را طوری طراحی کرده است که در آن او به عنوان پادشاه شناخته شود، جایی که او کسی باشد که مورد احترام و تجلیل قرار می‌گیرد و به او سلطنت و افتخار داده می‌شود. با این حال، آنچه در سراسر کتاب مقدس می‌بینیم این است که بشریت در حال شورش علیه این پادشاهی است. بشریت از دادن احترامی که شایسته خداست، امتناع می‌کند.

و بارها، آنها پادشاهی متقابل خود را تأسیس کرده‌اند که در آن سعی در جایگزینی آن و ایجاد شکوه و جلال خود دارند. غرور انسان او را به جایی می‌رساند که حتی خدایان خود را طراحی و ابداع می‌کند. این غرور است.

این یعنی به جای خدا به منابع انسانی اعتماد کردن. بنابراین بله، خداوند حتی خدایان این ملت‌ها را نیز داوری خواهد کرد، اما در درجه اول، او آنها را به خاطر غرور و تکبرشان داوری خواهد کرد، که در واقع پایه و اساس بت‌پرستی آنهاست. بنابراین، خداوند به مصریان خواهد گفت، و این توصیف غرور مصریان است، که مانند نیل، مانند رودخانه‌هایی که آب‌هایشان موج می‌زند، طغیان می‌کنند.

مصر مانند نیل، مانند رودخانه‌هایی که آب‌هایشان طغیان می‌کند، طغیان می‌کند. و او گفته است، من طغیان خواهم کرد، و زمین را خواهم پوشانم، و شهرها و ساکنان آنها را نابود خواهم کرد. این یک تصویر واقعاً مؤثر است.

مصر خود را مانند رود نیل می‌داند که هر سال سواحلش را طغیان می‌کند. و مصر می‌گوید، با قدرت و توانایی‌ام با ارتش‌هایم، در سراسر زمین جاری خواهم شد. من آنها را در هم خواهم شکست.

خداوند می‌گوید که شما محدودیت‌های ارتش‌ها و محدودیت‌های قدرت خود را خواهید یافت، زیرا خداوند غرور شما را قضاوت خواهد کرد. علیه موآبیان در فصل ۴۸، آیه ۷. و همانطور که به ملت‌های امروز فکر می‌کنیم، اگر خداوند این ملت‌های باستانی را بر اساس غرور و تکبرشان قضاوت می‌کند، به مسئولیتی که امروز به ما می‌دهد فکر کنید. اما خداوند در مورد موآب می‌گوید، زیرا چون به اعمال و گنجینه‌های خود اعتماد کرده‌اید، شما نیز گرفتار خواهید شد و کموش، خدای شما، نیز به همراه کاهن و مقاماتش به تبعید خواهد رفت.

بنابراین، آیا اصلاً برای ما امروز ربطی به این دارد که ملتی به دلیل غرورشان نسبت به ثروت و گنجینه‌هایشان تحت داوری خدا قرار گیرد؟ و فقط تأمل کنید، هیچ چیز در پیامبران عهد عتیق وجود ندارد که برای ما امروز مرتبط باشد، درست است؟ هیچ ملتی هرگز... حال، به همین دلیل است که همه اینها واقعاً مهم هستند. همانطور که خدا غرور مصر و قدرت امپراتوری آن را داوری کرد، به همان روشی که خدا حتی ملت کوچکتری مانند موآب را که احتمالاً حتی به آن توجه نمی‌کنیم، داوری کرد، خدا حتی غرور و تکبر آنها را که باعث شده خدایان خود را ابداع کنند و به منابع خود اعتماد کنند، نادیده نمی‌گیرد. خداوند در مورد موآب، فصل ۴۸، آیه ۲۶، می‌گوید: او را مست کنید، در مورد داوری که قرار است بر موآب نازل شود صحبت می‌کند، زیرا او خود را در برابر خداوند بزرگ کرده است، به طوری که موآب در استفرغ خود غلت خواهد زد و او نیز مورد تمسخر قرار خواهد گرفت.

بنابراین، تو خود را در مقابل خداوند برتر خواهی دانست. تو خود را بزرگ خواهی شمرد. تو خود، غرور و دستاوردهایت را ستایش خواهی کرد.

خداوند شما را با غرق شدن در استفرغتان تحقیر خواهد کرد، زیرا این داوری ویرانگری را که قرار است علیه شما اعمال کند، تجربه خواهید کرد. بنابراین، نکته‌ی تکراری که در مورد این دشمنان گفته خواهد شد این است که خداوند آنها را به خاطر غرورشان داوری خواهد کرد. یکی دیگر از چیزهایی که قرار است این ملت‌ها را داوری کند، بدرفتاری آنها با قوم اسرائیل است.

ما فقط داشتیم به موآبیان نگاه می‌کردیم. آنها به خاطر بدرفتاری‌شان با اسرائیل قضاوت خواهند شد. در فصل ۴۸، آیه ۲۷ آمده است: آیا اسرائیل مایه تمسخر شما نبود؟ آیا او در میان دزدان یافت شد که هر چه درباره او می‌گفتید، سرتان را تکان می‌دادید؟

تو در زمانی که اسرائیل درگیر بحران ملی بود، آنها را مسخره کردی. خداوند همین بلا را سر تو هم خواهد آورد. در آینده نزدیک ورق خواهد برگشت.

عمونیان نیز یکی از همسایگان اسرائیل در شرق آنها در آن سوی اردن بودند. خداوند در مورد عمونیان چنین می‌گوید: آیا اسرائیل پسری ندارد؟ آیا وارثی ندارد؟ در مورد سرزمین اسرائیل چطور؟ نکته اینجاست. پس چرا ملکوم، که خدای عمونیان بود، جاد را تصرف کرده است؟ آیا قوم اسرائیل فرزندان نداشتند که سرزمین خود را به آنها واگذار کنند؟ آیا به همین دلیل است که شما و خدایانتان به سرزمین اسرائیل حمله کردید و قلمرو آنها را که متعلق به قبیله جاد بود، تصرف کردید؟ شما قوم خود را در شهرهای آن ساکن کردید.

آنها سرزمینی را از پادشاهی شمالی اسرائیل دزدیده بودند. این به بحران آشور قبل از زمان ارمیا برمی‌گشت. خداوند چنین می‌گوید. بنابراین، اینک روزهایی فرا می‌رسد، خداوند می‌گوید، که من فریاد جنگ را به گوش همه خواهم رساند.

قرار است عمونی‌ها نابود شوند. یکی از مردمی که در این بخش مورد داوری قرار می‌گیرند، ادومیان هستند. باز هم، آنها از نوادگان عیسو هستند.

آنها در طول تاریخ خود رقیب اسرائیل بوده‌اند. ارمیا واقعاً در مورد دلایل داوری ادوم صحبت نمی‌کند، اما وقتی کتاب عوبدیا را می‌خوانید، یکی از چیزهایی که عوبدیا ی نبی مطرح می‌کند این است که ادومی‌ها در واقع هنگام حمله به سرزمین یهودا با بابلی‌ها متحد شدند. سربازان آنها مزدورانی بودند که هنگام حمله به اورشلیم، با بابلی‌ها علیه یهودا جنگیدند.

ادوم، در جنوب، از حمله بابل به عنوان فرصتی برای تصرف سرزمین یهودا استفاده کرده بود، و به همین دلیل است که این پیام خشمگین داوری علیه آنها وجود دارد. هر کسی که قوم خدا را لمس کند، در واقع مردمک چشم خدا را لمس کرده است. بنابراین، خدا قرار است آنها را داوری کند.

بنابراین، از نظر اصل الهیاتی پایدار یا پیام پایداری که از این امر ناشی می‌شود، بله، این یک داوری علیه گروهی از مردم است که مدت‌ها پیش در سرزمین‌ها و ملت‌هایی زندگی می‌کردند که اگر اطلس کتاب مقدس خود را بیرون بکشیم، ممکن است برخی از ما در یافتن آنها مشکل داشته باشیم. اما اصل الهیاتی پایداری که از این امر ناشی می‌شود این است که در نهایت خداوند هر نوع غرور انسانی را داوری خواهد کرد. و در سطح فردی، غرور فردی که می‌گوید، من می‌توانم مستقل از خدا زندگی کنم.

من به او نیازی ندارم. فرقی نمی‌کند که آنها خداناباور باشند یا خدا‌باور. اگر با تظاهر به بی‌نیازی از خدا زندگی کنی، عملاً خداناباور هستی.

و این نوع غرور شما را تحت داوری خدا قرار خواهد داد. اما برای ملت‌هایی که به دلیل ثروت یا دستاوردهایشان، تاریخ، میراث یا دستاوردهای نظامی خود مغرور شده‌اند، خداوند در نهایت همه آنها را سرنگون خواهد کرد. و داوری نهایی که خداوند هم در مورد ملت‌ها و هم در مورد افراد اجرا خواهد کرد، داوری‌ای خواهد بود که به همه اشکال غرور انسانی پایان می‌دهد.

بسیار خوب. حالا به یاد داشته باشید که روز خداوند که در ارمیا ۴۶ تا ۵۱ توصیف شده است، روز خداوندی است که خداوند برای ملت‌های خاصی در نظر گرفته است. به نظر من، فصل دوم اشعیا بیشتر در مورد روز خداوند صحبت می‌کند، روزی که خداوند قرار است داوری را علیه کل زمین انجام دهد.

و این چیزی است که آن داوری قرار است در مورد آن باشد. اشعیا ۲:۱۱ می‌گوید که نگاه‌های متکبرانه‌ی انسان پست خواهد شد و غرور مردان فروتن خواهد شد و تنها خداوند در آن روز متعال خواهد بود. زیرا خداوند لشکرها روزی علیه هر آنچه متکبر و مغرور است و علیه هر آنچه متکبر است، دارد و آن روز پست خواهد شد.

و بنابراین، در پایان این، می‌گوید، دست از سر انسان بردارید، نفس کشیدن در سوراخ‌های بینی او برای چیست؟ بنابراین، این پیامی که ما شروع به بررسی آن می‌کنیم و می‌گوییم، این وحی‌ها، چه ارتباطی با ما دارند؟ آنها در مورد ملت‌هایی هستند که مدت‌ها پیش زندگی می‌کردند. چرا باید به این موضوع اهمیت دهیم؟ همان غروری که داوری خدا را علیه آنها به ارمغان آورد، در نهایت دلیل این است که خدا در آینده همه ملت‌ها را داوری خواهد کرد. و به همین دلیل است که خدا حتی امروز به طور فعال در حال داوری ملت‌ها به همان روشی است که در روزگار ارمیا انجام داد.

خداوند قرار است به تمام اشکال غرور انسان پایان دهد. بنابراین، من باید به این موضوع نگاه کنم و بگویم وای، شاید چیزهایی در این قسمت‌ها وجود داشته باشد که مرتبط باشند. حتی اگر اینها قضاوت‌هایی باشند که مدت‌ها پیش علیه مردم انجام شده است، شاید این قضاوت‌ها برای ما مرتبط باشند زیرا خداوند از غرور انسان متنفر است.

و خداوند در نهایت، با عدالت و انصاف خود، ملت‌هایی را که مغرور هستند و مشت خود را به سوی خدا تکان می‌دهند، به زیر می‌کشد. و من فکر می‌کنم ما این نوع غرور را در کشور خود می‌بینیم. و دوباره، با بازگشت به آن نقل قول از بیلی گراهام، اگر خداوند آمریکا را داوری نکند، باید از سدوم و عموره و با توجه به ارمیا از ادوم و موآب و فلسطینیان و مصریان و بابل عذرخواهی کند، زیرا ما نیز با همین نوع غرور مغرور شده‌ایم.

حال، ما قبلاً به این واقعیت اشاره کردیم که در برداشت‌های رایج از پیشگویی، اغلب سعی می‌کنیم اشاراتی به وقایع معاصر پیدا کنیم. سوالی که مردم مرتباً در مورد پیامبران از من می‌پرسند این است که آیا ایالات متحده در پیشگویی‌های کتاب مقدس ذکر شده است یا خیر. آیا می‌توانید آیه‌ای پیدا کنید؟ آیا چیزی در مورد جنگ عراق و افغانستان وجود دارد؟ آیا یازده سپتامبر توسط پیامبران کتاب مقدس پیشگویی شده است؟ آیا می‌دانید دجال کیست؟ آیا می‌توانید تاریخی برای ظهور مجدد به ما بگویید؟ و وقتی به سؤالات پاسخ می‌دهم، نه، من هیچ یک از این سؤالات را نمی‌دانم. آنها مانند این هستند که شما به پیامبران آموزش می‌دهید؟ شما باید به پیشگویی‌ها برگردید و چیزهایی یاد بگیرید.

من مدت زیادی در کتاب‌های انبیا جستجو و تحقیق کرده‌ام. هیچ اشاره‌ای به ایالات متحده در پیشگویی‌های کتاب مقدس، حتی در تصاویر آخرالزمانی کتاب مکاشفه، نمی‌بینم.

بسیار خب. یک قانون هرمنوتیکی واقعاً ساده وجود دارد که باید به خاطر بسپاریم. تمام کتاب مقدس برای ماست، اما تمام کتاب مقدس درباره ما نیست.

و بنابراین، این پیام‌ها، برای ما هستند. آن‌ها پیام‌هایی هستند که به ما می‌آموزند و ما را راهنمایی می‌کنند، اما درباره ما نیستند. آن‌ها درباره ملت‌هایی هستند که مدت‌ها پیش زندگی می‌کردند، اما این چیزی است که آن‌ها به ما می‌آموزند.

داوری‌هایی که خداوند در آن زمان انجام داد، صرفاً پیش‌نمایشی از داوری‌هایی است که خداوند در طول تاریخ به اجرای آنها ادامه خواهد داد و در نهایت در پایان تاریخ علیه همه مردم انجام خواهد داد. اشتباه دیگری که ما آمریکایی‌ها اغلب در مورد پیشگویی‌های کتاب مقدس مرتکب می‌شویم، این است که وعده‌ها یا چیزهایی را که در مورد اسرائیل گفته می‌شود، در مورد کشور خودمان به کار می‌بریم. ما یک ملت مسیحی هستیم.

ما اینجا کلی مسیحی و کلی کلیسا داریم. پس ما قوم برگزیده خدا هستیم. ما یک ملت مقدس هستیم.

فکر می‌کنم با پیشرفت اوضاع در روزگار ما، متوجه می‌شویم که چقدر از آن [وضعیت] دور هستیم. اما فکر می‌کنم می‌فهمیم که ما قوم برگزیده‌ی خدا نیستیم. خدا امروز از طریق هیچ ملتی به شیوه‌ای که در اقتصاد قدیمی از طریق اسرائیل باستان عمل می‌کرد، عمل نمی‌کند، حتی از طریق دولت مدرن اسرائیل.

قوم خدا دیگر یک نهاد ملی نیستند. آنها کلیسایی هستند که از افرادی از هر قبیله و ملتی تشکیل شده است. بنابراین، اشتباه دیگری که اغلب مرتکب می‌شویم این است که پیشگویی‌هایی را که به اسرائیل داده شده است، در مورد ایالات متحده به کار می‌بریم.

خداوند در دوم تواریخ به اسرائیل وعده می‌دهد که اگر قوم من، که به نام من خوانده می‌شوند، خود را فروتن کنند و مرا بخوانند و به گناهان خود اعتراف کنند و به سوی من بازگردند، سرزمین آنها را شفا خواهم داد. کاربرد اصلی این متن امروز برای ایالات متحده نیست، بلکه برای قوم خدا، کلیسا است. و اگر آنها خود را فروتن کنند، خداوند آنها را برکت خواهد داد.

اما حتی برای ما مسیحیان در آمریکا، هیچ تضمینی وجود ندارد که خداوند به طور خاص سرزمین ما را شفا دهد. بنابراین، ایالات متحده را در کجای پیشگویی‌های کتاب مقدس می‌یابیم؟ در متون خاص نیست، و در وعده‌ها یا پیام‌های خاصی که به اسرائیل داده شده نیست. فکر می‌کنم اگر بخواهیم ایالات متحده را به طور کلی پیدا کنیم، جایی که باید برویم به پیشگویی‌های علیه ملت‌ها است.

و به ویژه این امپراتوری‌های قدرتمند و بزرگ مانند مصر، بابل و آشور. و به همان شیوه‌هایی که ملت ما از خدا سرپیچی کرده یا غرور و طغیان خود را علیه خدا نشان داده است، به همان روشی که خدا آن ملت‌ها را داوری کرد و به همان دلایلی که خدا آنها را داوری کرد، خدا ما را نیز داوری خواهد کرد. نویسنده‌ای به نام جولی وودز چند سال پیش مقاله جالبی در مورد پیامبران کوچک به نام آشور به عنوان غرب نوشت.

و فکر کردن به سخنرانی‌های داوری ناحوم و اینکه چگونه در مورد ما در جهان غرب و یک ملت امپریالیستی، مانند آمریکا صدق می‌کنند. و این بدان معنا نیست که ما صرفاً بین آشور و آمریکا یک معادله ایجاد می‌کنیم، و ما بد هستیم، و باید از شر ارتش‌هایمان و همه چیز خلاص شویم. نکته این نیست.

اما وقتی به دلایلی که خداوند در گذشته این ملت‌ها را داوری کرده است نگاه می‌کنیم، به یاد می‌آوریم که خداوند در مقطعی در آینده همین کار را با ملت ما خواهد کرد. این اجتناب‌ناپذیر است. و اگر در آینده بیداری بزرگی رخ ندهد، آن داوری ممکن است در همین نزدیکی باشد.

ما در چنین جامعه‌ای زندگی می‌کنیم. اما همان دلایلی که خداوند آن مردم را در آن زمان داوری کرد، دلیل داوری ملت‌ها در طول تاریخ توسط خداوند است و در نهایت نیز ما را داوری خواهد کرد. بنابراین، من به کتاب ناحوم مراجعه نمی‌کنم و نمی‌گویم آمریکا برابر با آشور است.

اما من به آنجا می‌روم و می‌گویم، به بسیاری از دلایلی که خداوند این امپراتوری‌های مغرور و سرکش را در گذشته داوری کرد، خداوند در آینده ما را نیز داوری خواهد کرد. و اگر ارزیابی صادقانه‌ای از ایالات متحده آمریکا داشته باشیم، ممکن است نگوئیم که ایالات متحده با سوریه یا ایالات متحده با بابل برابر است. اما همانطور که پیتر لایت‌هارت در کتابش می‌گوید، ما احتمالاً جایی بین بابل و وحش هستیم.

ما جایی بین آن شهری که در پیدایش فصل ۱۱ از خدا سرپیچی کرد و آن وحش در پایان کتاب مکاشفه که علیه قوم خدا اعلام جنگ می‌کند، قرار داریم. ما جایی بین این دو هستیم. و به همین دلیل، داوری خدا در نهایت بر ما نازل خواهد شد.

ملت‌هایی که مورد داوری قرار گرفتند، الگویی از داوری خدا بر ملت‌ها در آینده می‌شوند. یکی از این ملت‌ها که مرتباً مطرح می‌شود، ملت ادوم، همسایه اسرائیل، فرزندان عیسو است. وقتی متون نبوی کتاب اشعیا را می‌خوانم که در مورد پادشاهی خدا یا روزهای آخر صحبت می‌کنند، داوری دشمنان خدا اغلب بر آن ملت کوچک متمرکز است.

اشعیا ۳۴، خدا ادوم را داوری خواهد کرد، و سپس پادشاهی فرا خواهد رسید. خدا ادوم را داوری خواهد کرد، حزقیال فصل ۳۵، و سپس احیای اسرائیل فرا خواهد رسید. اشعیا فصل ۶۳، خداوند جنگجوییست که از نبرد بازمی‌گردد و از بصره، که در سرزمین ادوم است، می‌آید.

حال، این بدان معنا نیست که خداوند مردمی را که در جایی زندگی می‌کنند که ادومی‌های باستان زندگی می‌کردند، نشانه گرفته است. اما معنای آن این است که ادوم، به عنوان دشمن خدا و قوم خدا، الگویی از ملت‌هایی است که در آینده داوری خواهند شد. پیامبران عهد عتیق واقعیت داوری الهی را، هم برای ما به عنوان افراد و هم در نهایت برای ملت‌ها، به ما یادآوری می‌کنند.

در دوران جنگ داخلی، آبراهام لینکلن، در بخشی از سخنانش درباره اینکه چرا به وقوع جنگ اعتقاد دارد، گفت که معتقد است عدالت الهی و مجازات الهی بخشی از آن هستند. او گفت هر قطره خونی که با شلاق ریخته شود، یا با قطره خونی که با شمشیر ریخته می‌شود، جبران خواهد شد یا با قطره خونی که با «شمشیر ریخته می‌شود، جبران خواهد شد. مورخی به نام استیون کیلر، در کتابش با عنوان «قضاوت خدا که در این مورد بسیار عالی صحبت می‌کند، گفت:» ما به عنوان یک جامعه به جایی رسیده‌ایم که دیگر به «این موضوع اعتقاد نداریم».

یا به دلیل سکولاریسم ما یا فناوری ما که خدا آن را به حاشیه رانده است، ایدئولوژی‌های سیاسی متفاوت ما، یا این ایده که خدا نمی‌تواند، ما این ایده را که خدا می‌تواند داوری کند و خدا ملت‌ها را داوری می‌کند، از دست داده‌ایم. پیامبران عهد عتیق در پیشگویی‌های خود ما را به این واقعیت بازمی‌گردانند که اگر خدا ملت‌ها را به دلیل نقض عهد نوح داوری کرد، پس خدا ما را نیز داوری خواهد کرد. وقتی زمین را از دیگران می‌دزدیم، داوری خدا را به خاطر آن تجربه کرده‌ایم.

وقتی هر دهه میلیون‌ها کودک متولد نشده را به قتل می‌رسانیم، خدا ما را مسئول می‌داند. به نظر می‌رسد این ایده عهد نوح، سنجش خون است، اما خدا، چه با ملت‌های منفرد و چه با جهان به عنوان یک کل، در نهایت به اندازه کافی صبر می‌کند و داوری نازل می‌شود. بنابراین، برای پایان دادن به این بحث، بله، ما به بخشی نگاه می‌کنیم که به داوری‌هایی می‌پردازد که در تاریخ اتفاق افتاده است، اما آنها یادآوری برای ما، هم به عنوان افراد و هم به عنوان افرادی از ملت‌های مختلف، هستند که در نهایت داوری خدا بر ملت‌ها نیز نازل خواهد شد.

داوری خدا یک واقعیت است، و حتی اگر آن را نادیده بگیریم یا وانمود کنیم که وجود ندارد، واقعی است، و چیزی است که پیامبران به ما یادآوری می‌کنند که قطعاً باید آن را در نظر بگیریم و با آن روبرو شویم. عاموس گفت، برای ملاقات با خدای خود، چه در سطح فردی و چه در سطح ملی، آماده شوید؛ این چیزی است که باید در فرهنگی که در آن زندگی می‌کنیم، بیشتر از آن آگاه باشیم.

این دکتر گری یتس در حال تدریس در مورد کتاب ارمیا است. این جلسه ۲۹، ارمیا ۴۶-۴۹، پیشگویی‌هایی علیه ملت‌ها است.